

«حسین مسرت» تشریح می‌کند:

گذری بر زندگی «پریبرز نسیمی» از نویسندگان شهیر جامعه زرتشتی

که در آن وقت یکی از بهترین مجلات کشور محسوب می‌شد، می‌خواند و خاطرنشان می‌کند: خدمت در انجمن زرتشتیان تهران، همکاری در راه بنیان درب مهر و کتابخانه هورشت یزد و عضویت در هیأت امنای بیمارستان گودرز از دیگر کارهای خیر و ارزشمند پریبرز نسیمی بود.

مسرت از گشاده‌رویی و پیشگامی نسیمی در هر کاری می‌گوید و اضافه می‌کند: ویژگی‌ای که ایشان داشت، دلبستگی زیاد به فرهنگ و ادبیات فارسی به ویژه شاهنامه بود و در این زمینه پژوهش‌های دامنه‌داری داشت و آثارش در بسیاری از نشریات همچون هخت، فروهر، پشوتن، پندارها و مجله‌ی ارمان به چاپ رسیده است. به گفته وی، بیشترین نوشته نسیمی همین طور که اشاره شد در زمینه‌ی فرهنگ و زندگی‌نامه‌ی فرزندان زرتشتی و مؤسسات و بناهای زرتشتی یزد بود و در زمینه‌ی داستان‌های شاهنامه هم در شماره‌های گوناگون فروهر، مقالاتی از وی چاپ شده است. وی یادآور می‌شود: پریبرز نسیمی در سال‌های پایانی عمر خود یکی از این داستان‌هایش را به نام «سیاوش» به نثر روان فارسی برگردانده بود و یکی از ناشران زیر چاپ داشت ولی متأسفانه تقریباً چندین سال است که هنوز این کتاب چاپ نشده و حتی خانواده‌اش گفته‌اند دو، سه جلد دیگر از این داستان‌ها را هم ایشان داده است که حروفچینی آنها تمام شده ولی هنوز چاپ نشده است.

این نویسنده و پژوهشگر یزدی با قدردانی از اطلاعاتی که «سروش نارنجی» در باره این فرهیخته زرتشتی استان در اختیارش قرار داده است، می‌گوید: نسیمی سرانجام پس از ۷۵ سال زندگانی که همیشه آن سه گفتار زرتشت یعنی «گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک» را آویزه گوشش قرار می‌داد، در ۲۸ مرداد ۱۳۷۰ از این دنیا رخت برپست و به سرای جاویدان شتافت.

می‌گوید: این چهره‌ی فرهیخته فرزند «رستم بهرام» بود که در سال ۱۲۹۵ خورشیدی در یزد به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان خسروی گذراند و به واسطه‌ی هوش و استعدادی که داشت، در ردیف شاگردان ممتاز شهر یزد جا گرفت به طوری که در همان زمان به آموزش در مدرسه‌ی دخترانه‌ی جهانیان نیز می‌پرداخت. وی با بیان این که نسیمی تحصیلات متوسطه‌اش را در دبیرستان کیخسروی به پایان رساند، اضافه می‌کند: او پس از برگشت از خدمت، به تدریس زبان و ادبیات فارسی در همان دبیرستان مشغول شد و چندی نگذشت که در اثر کاردانی و شایستگی که از خود نشان داده بود، به معاونت دبیرستان کیخسروی برگزیده شد و در ادامه نیز سرپرستی دبستان‌های دیه‌های زرتشتی‌نشین یزد همچون اله‌آباد، اهرستان، تفت، چم، خرّمشاه، خیرآباد، رحمت‌آباد، شریف‌آباد، قاسم‌آباد، کوچه بیوک، مبارکه، مریم‌آباد و نصرت‌آباد نیز برعهده‌ی او قرار گرفت و پس از «مستر فرامرز» که از فرهنگیان بسیار مشهور یزد بود، مدیریت دبیرستان کیخسروی که آن وقت از بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین دبیرستان‌های یزد بود، به عهده‌اش گذاشته شد که با شایستگی تا هفت سال در این کار مهم خدمت می‌کرد.

این پژوهشگر یزدی ادامه می‌دهد: پریبرز نسیمی، چند سالی هم مدیریت دبستان دینیاری را داشت و همچون شمع فروزانی بود که بسیاری از دانش‌آموختگان یزدی که اکنون از دکترها یا مهندسان بنام یزدی هستند یا مشاغل عالی دارند، همه شاگرد او بودند.

به گفته مسرت، در سال ۱۳۱۴ خورشیدی به همت نسیمی و جمشید بندریان‌زاده، سالنامه دبیرستان کیخسروی منتشر شد و در گردآوری و چاپ سالنامه دبیرستان مارکار نیز او سهیم بود. وی با اشاره به ریاست نسیمی در سازمان جوانان زرتشتی یزد به مدت چند سال، حاصل این سال‌ها را چاپ و نشر مجله‌ی پندارها



حسین مسرت:
پریبرز نسیمی،
چند سالی هم
مدیریت دبستان
دینیاری را داشت
و همچون شمع
فروزانی بود
که بسیاری از
دانش‌آموختگان
یزدی که اکنون
از دکترها یا
مهندسان بنام
یزدی هستند یا
مشاغل عالی
دارند، همه شاگرد
او بودند

نویسنده و پژوهشگر برجسته فرهنگ عامه یزد یکی از مشاهیر نامی یزد که دلبستگی زیاد به فرهنگ و ادبیات فارسی به ویژه شاهنامه داشته و آثارش در نشریات مختلفی در کشورمان به چاپ رسیده است را «پریبرز نسیمی» از زرتشتیان نیک اندیش این استان معرفی می‌کند.

«حسین مسرت» یکی از نویسندگان و بزرگان شهر یزد که از زرتشتیان بسیار نیک‌اندیش و خوب این دیار بوده است را روان‌شاد «پریبرز نسیمی» می‌خواند و در گفت‌وگو با ایسنا راجع به او

خطاهای مرگبار پس از انفجار!

پس از انفجار، دانستن اینکه چه کارهایی را نباید انجام داد به اندازه اقدامات امدادی اهمیت دارد

- | | |
|---|--|
| رفتن به سمت پنجره و تراس: خطر موج انفجار دوم یا پرتاب خورده شیشه؛ عامل اصلی جراحات چشمی | استفاده از آسانسور: خطر قطع برق، سقوط کابین یا گیر افتادن در دود سمی |
| تنفس عمیق در هوای آلوده: خطر ورود دودهای صنعتی سمی و آسیب به ریه | تجمع در محل حادثه برای تماشا: سد معبر آمبولانس، خطر انفجار ثانویه و ریزش سازه‌ها |
| دست زدن به قطعات باقی‌مانده: خطر انفجار ثانویه، مواد ناپایدار یا آلودگی شیمیایی | زدن کلید برق یا فن‌دک: خطر انفجار ساختمان در صورت نشست گاز |
| شایعه پراکنی: ایجاد اضطراب توده‌ای؛ عامل سکنه و تصادفات حین فرار | مالیدن چشم‌ها یا پوست آلوده: نفوذ بیشتر ذرات یا مواد تحریک‌کننده |
| تماس‌های غیرضروری و اشغال خطوط: برای بازماندن مسیر ارتباطی نیروهای امدادی و اورژانس | جابجا کردن بی‌دلیل مصدوم: مگر در خطر آتش‌سوزی؛ احتمال قطع نخاع دائمی با جابجایی غیراصولی |

